



۲۰۱۵/۱۱/۲۹

م. اسحاق نگارگر

در هر جامعه، خوشبختانه زنان خوب و بد یافت می شوند

من این یادداشت را با نوعی اکراه و برخلاف میل قلبی خود می نویسم. در جامعه زنان نیز زنان خوب و بد یافته می شوند اما خوشبختانه تعداد زنان خوب نسبت به زنان بد بسیار زیاد بوده است.

مردان در باره زنان کتاب های فراوان نوشته اند ولی هوشیاری زنان در این است که در باره مردان کتاب ننوشته اند و قضاوت های خود را در باره مردان آفتابی نکرده اند و بنا بر این از قضاوتی که نکرده اند مسؤولیت هم ندارند که اگر زنان نیز در باره مردان می نوشتند ما امروز یک مرد بی دوسیه هم در جامعه مردان نمی داشتیم. در میان فیلسوفان "شوین هاور" بود که زنان را موجودات دراز موی و کوتاه عقل می خواند و "نیچه" نیز توصیه می کرد که وقتی نزد زن می روی تازیانه را فراموش نکنی یعنی برخی از مردان که خود هم چندان خوب نبودند مانند "شوین هاور" و "نیچه" رفتار زنان بد شده اند و آن بدی را که از یک زن دیده اند با استفاده از روش تعمیم ناقص خصوصیت همه زنان دانسته اند و بدین ترتیب در باره زنان قضاوت های منفی کرده اند. و اما چرا از همان آغاز مقال گفتم که این یادداشت را با اکراه و برخلاف میل قلبی ام می نویسم دلیلش این است که ما در جامعه جاهل و زن ستیز گیر مانده ایم که این زن ستیزی در عنعنات قبیلوی ما ریشه دارد و به حکم همین عنعنه هیچ مرد و حتی هیچ زن تولد دختر را در خانواده به گرمی استقبال نمی کند.

بیدل آن شاعر عارف و فیلسوف نیز زیر تأثیر همین عنعنه می گوید:

زاهد خجل از محفل رندان بدر آمد

در خانه این مسخره دختر شده باشد

در این محیط عنعنوی هر گناهی که رخ می دهد ملامتش زن است. اگر مرد برای به دام افگندن زن هزاران وعده دروغ می دهد و او را شکار می کند در آخر کار زن ملامت است که با کشش و جاذبه جمال خود مرد را فریفته است.

دو روز پیش بود که زن و مرد جوانی را به حکم اینکه با هم فرار کرده بودند به دستور بزرگان قومی در بغلان محکوم به مرگ کردند و کشتند ولی هیچ کس و از جمله دولت نپرسید که این بزرگان قوم که بودند و معیار بزرگی شان چه بود.

آیا این بزرگی به ایشان اجازه می داد که زمام عدل و قانون را به دست خود بگیرند و دو نفر را به اشد مجازات یعنی مرگ محکوم کنند؟ و آیا قضاوت در باره زنا در شریعت امری به همین سادگی است که چند نفر صاحب اعتبار قومی که در جامعه ای که به قول بیدل:

امروز قدر هر کس مقدار مال و جاه است آدم نمی توان گفت آن را که خر نباشد

در باره مرگ و زندگانی اشخاص به همین سادگی قضاوت کنند و عنعنه خود را به دین نسبت دهند و چنین وا نمایند که گویا امری شرعی را اجراء می کنند. به همین دلیل بود که برخلاف میل قلبی خواستم این یادداشت را وقف زنا و مجازات زنا نمایم و با صراحت اعلام نمایم که در قرآن مجازات سنگسار برای زنا و یا کدام گناه دیگر وضع نشده است و در باره اینکه پیامبر اکرم (ص) مجازات سنگسار را وضع و یا اجراء کرده باشد هیچ سند معتبر وجود ندارد. در یگانه روایت بسیار ضعیف که به اصطلاح فقهی از جمله آحاد است آمده است که یهودیان نزد پیامبر آمدند و در باره زن و مردی یهودی که مرتکب زنا شده بودند پرسیدند و پیامبر از آنان در باره حکم تورات پرسید و در پایان دستور داد که طبق آیین یهود آنان را سنگسار کنند.

من برای اینکه صحت و سقم این روایت را دریابم نخست ناگزیر بودم به تورات مراجعه نمایم و ببینم که در آنجا صحبتی از سنگسار وجود دارد یا نه و این است نتیجه آن مراجعه:

«اگر مردی یافت شود که با زن شوهر داری همبستر شده باشد هر دو یعنی مردی که با زن خوابیده است و زن گشته شوند پس بدی را از اسرائیل دور کرده ای* اگر دختر باکره به مردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته با او همبستر شود* پس هر دوی ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده ایشان را با سنگ ها سنگسار کنند تا بمیرند. ...»

اما اگر آن مرد دختری نامزد را در صحرا یابد و آن مرد به او زور آورده با او بخوابد پس آن مرد که با او خوابید تنها گشته شود. و اما با دختر هیچ مکن زیرا بردخترگناه مستلزم موت نیست بلکه این مثل آن است که کسی بر همسایه خود برخاسته او را بکشد.»^(۱)

هرگاه از این حکم تورات نتیجه بگیریم نتیجه این است که زنا به هر صورت ایجاب تحقیق و بررسی را می کند و شرط آن سنگسار این است که عمل به رضایت خاطر هر دو طرف باید صورت گرفته باشد و پای زور در میان نباشد اما در اسلام حکم سنگسار در قرآن و تعامل صدر اسلام وجود ندارد. آیه های ۱۵ و ۱۶ سورة النساء درباره زنانی که مرتکب فحشا می شوند و چهار شاهد بر علیه شان شهادت می دهند حکم می کند که آن زنان را در خانه و نه در زندان حبس کنید تا آنکه مرگ شان فرا رسد و یا خداوند راهی برای شان قرار دهد و آیه دوم سورة نور نیز حکم به صد دره می کند و اما مردانی را که بر زنان پاک دامن تهمت زنا می بندند هشتاد دره باید زد.

۱- (سفر تثنیه باب بیست و سوم انجیل عهد عتیق صفحه ۳۰۹)

حالا اگر داکتر معاینه و تصدیق می کند که بکارتِ دختر بر جای بوده است پس آن به اصطلاح بزرگان قوم زنی پاکدامن را نا حق متهم به زنا کرده اند که هر یک را باید هشتاد هشتاد دره زد.

به هر صورت خداوندی که در امر قصاص ثابت شده عفو را بر اجرای قصاص ترجیح می دهد من فکر می کنم که همان حبس در خانه با حفظ آبروی فرد و جامعه هماهنگی بیشتری دارد و سنگسار از جمله اسرائیلیات است که به حساب اقامت دراز مدت یهودیان در مدینه به عنعنۀ اعراب جاهلی نیز بدل شده است و افغان ها آنرا از منبع جاهلیت اقتباس کرده اند و هیچ ربطی به اسلام ندارد. والله اعلم بالصواب

